

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

نگاهی تطبیقی به صنعت «براعت استهلال» و دیدگاه ادیبان به نسبت  
به تعریف و کاربرد آن

حسین سلیمی\*

رضا قاسمی\*\*

چکیده

«براعت استهلال» یا «شگرف‌آغازی» در گذشته ادب فارسی غالباً در باب شعر و نظم به کار رفته است؛ چنانکه اگر شاعری قصیده، قطعه یا غزلی می‌سرود و در محضر جمعی می‌خواند یا واگذار می‌کرد که خوش‌صدایی آن را بخواند مخاطبان در همان ابتدای شعر به وجد می‌آمدند و به تأیید و تحسین می‌پرداختند و به زبان امروزی، با مفهوم شعر، ارتباط برقرار می‌کردند که نشانهٔ براعت استهلال بود و قبول افتادن حرکت آغازین اثر. در ادبیات فارسی با توجه به قدمت چند صد ساله اصطلاح براعت استهلال و پیشینهٔ دست‌کم پنج هزار سالهٔ انواع داستان، می‌توانیم قاطعانه بگوییم که داستان‌نویسان و شاعران نامدار، پیوسته به مسألهٔ خوش‌آغازی، به عنوان یک امر فنی - هنری مستقل از فنون دیگر بلاغت می‌اندیشیده‌اند و وظیفه‌مندانه به آن می‌پرداخته‌اند. در این پژوهش نخست به نظر ادیبان و پژوهشگران معاصر در رابطه با براعت استهلال می‌پردازیم و سپس نظر ادیبان کلاسیک فارسی در خصوص این تکنیک ادبی را بررسی می‌کنیم. نتیجهٔ حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بلاغیون کهن بر خلاف اینکه این صنعت را می‌شناخته‌اند، همگی یکسان به آن نپرداخته‌اند و همچنین نظرات و دیدگاه‌های گوناگونی به آن دارند.

**واژگان کلیدی:** ادبیات فارسی، بلاغت، براعت استهلال، بلاغت کلاسیک، بلاغت جدید.

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خلیج فارس. بوشهر.

\*\* مربی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد شهر کرد.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## مقدمه

«براعت» در لغت به معنای: «فضیلت، برتری، فصاحت» و «استهلال» یعنی «جستجوی ماه کردن، بانگ کردنِ کودک به وقت تولد، بلند کردنِ متکلم آواز را» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۵۰۵ و ۲۱۹۸) می‌باشد. در اصطلاح ادبی «براعتِ استهلال» نام یکی از صنایع بدیع معنوی در علم بلاغت است به این معنا که: «دیباجهی کتاب یا تشبیب قصیده یا پیش‌درآمد مقاله و خطابه را با کلمات و مضامینی شروع کنند که با اصل مقصود تناسب داشته باشد» (همایی، ۱۳۶۱: ۳۰۳). این صنعت یکی از تکنیک‌های موجود در روایت داستان‌های کلاسیک پارسی می‌باشد، به این ترتیب که راوی در آغاز داستان با وصف طبیعت و یا کاربرد واژگانی ویژه، به محتوا و درون‌مایه‌ی داستان اشاره می‌کند. به گونه‌ای می‌توان گفت: براعتِ استهلال «نوعی "حَسَنِ مَطْلَع" است، منتها مضمونِ مَطْلَع با مقصود و منظور اثر تناسب و هماهنگی دارد. مثلاً در آغاز داستانِ داش آکل صادق هدایت چنین آمده است که داش آکل و کاکارستم سایه‌ی هم را با تیر می‌زدند. از این کنایه درمی‌یابیم که درگیری و دشمنی میان این دو شخص بسیار سخت است و ما با ماجرای غم‌انگیز و فاجعه‌ای دردناک روبه‌رو هستیم» (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۰: ۱۵۱). براعتِ استهلال با پیش‌گفتار (Foreword \_ Prologue) در ادبیات انگلیسی مشابهت دارد. پیش‌گفتار «سخن کوتاهی است در ابتدای یک اثر ادبی که خواننده را از موضوع و مطلب کتاب آگاه می‌سازد» (جعفری پارسا، ۱۳۸۹: ۱۴۷). کاربردِ براعتِ استهلال دو گونه است: «یکی چنان است که نویسنده به توصیف کلی مطلبی یا واقعه‌ای می‌پردازد و به گونه‌ای خواننده را در جریان کل مطلب یا کتاب قرار می‌دهد، مثل مقدمه‌ی رستم و سهراب فردوسی؛ گونه‌ی دیگر آن است که مؤلف در مقدمه کتاب یا مقاله یا حتی شعر خود به کلماتی اشاره کند که به طور رمزگونه، به محتوای اصلی مدرک اشاره داشته باشد، مانند مطلبی که علامه همایی در مقدمه کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی آورده است» (نورمند، ۱۳۸۹: ۴۵). با توجه به اینکه براعتِ استهلال نخستین برخورد مخاطب با داستان و منظومه‌های داستانی است، از لحاظ رابطه‌ی آن با متن داستان (متنی که پس از براعتِ استهلال می‌آید)، این آرایه را می‌توان به چند نوع تقسیم کرد. در اینجا به چند نوع از آن اشاره می‌شود: ۱. براعتِ موضوعی و ماجرای (شروع با معرفی ناگهانی، سریع و مات‌کننده‌ی حادثه)؛ ۲. براعتِ استهلال فضا‌ساز (شروع با محور قرار دادن یک زمان استثنایی یا مکان خاص منحصراً)؛ ۳. براعتِ ماجرای - محتوایی - موضوعی (شروع با یک تکانه یا تنش برانگیزنده تفکرانگیز)؛ ۴. ماجرای - شیوه‌ای - سبکی (شروع با مشارکت دادن مخاطب در داستان و

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شخصیت داستان‌ی تلقی کردن مخاطب، البته شخصیت فرعی؛ ۵. ماجرای — حادثه‌ای، شیوه هیجان‌شکنی یا هیجان‌گشی (شروع با پایان داستان)؛ ۶. چند عنصری (شروع با مقدمه‌ی توضیحی — تشریحی دام‌گسترانه واقع‌نمایانه از جانب نویسنده)؛ ۷. شروع ظاهراً مستقل از موضوع، اما باطناً مربوط و فراهم آورنده شرایط ویژه برای پذیرش موضوع و ماجرا؛ ۸. شروع با ارائه‌ی خلاصه یا فشرده کل داستان یا یک بخش از آن، به قصد سرکوب حس هیجان‌زده مخاطب و جانشین کردن تفکر و تعقل؛ ۹. فضا‌ساز یا محتوایی (شروع با یک شعر، ترانه یا سرود و یا سخن ماندگاری از دیگران) (نورمند به نقل از ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۴۶ - ۴۵).

گویندگان در متون روایی منظوم کلاسیک پارسی، از براعت استهلال بهره گرفته‌اند. البته نام خاصی برای این تکنیک نداشته‌اند و یا آن نام، اکنون در دسترس نیست. تا این که در قرن هشتم هجری قمری این تکنیک در قالب یک صنعت بدیعی توسط خطیب قزوینی نام‌گذاری می‌شود (خطیب قزوینی، ۱۳۶۳: ۳۸۷ - ۳۸۶). نمونه کلاسیک براعت استهلال در شعر فارسی، ابیات آغازین داستان «رستم و سهراب» در شاهنامه است؛ ابیاتی که در آن راوی با بیان فلسفه مرگ و حیات و قضا و قدر، فضایی پرسش‌خیز و ترحم‌انگیز را ترسیم کرده است؛ فضایی که وقوع حادثه‌ای ناگوار را هشدار می‌دهد:

اگر تندبادی براید ز کُنج،	بخاک افگند نارسیده تُرنج،
ستمکاره خوانیمش، ار دادگر؟	هنرمند دانیمش، ار بی‌هنر؟
اگر مرگ دادست، بیداد چیست؟	ز داد این همه بانگ و فریاد چیست؟
ازین راز، جان تو آگاه نیست؛	بدین پرده اندر، ترا راه نیست
همه تا در آرزو، رفته فراز،	به کس بر، نشد این در راز باز...
برین کار یزدان، ترا راز نیست؛	اگر جانت با دیو انباز نیست.

(فردوسی، ج ۲، ۱۳۹۲: ۱۷۰ - ۱۶۹)

با خواندن براعت استهلال که «بیشتر به کمک استعمال لغات خاص علم یا مطلبی که کتاب در آن باره است و یا با اشاره به سرنوشت قهرمانان داستان» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۲۳)، یا وصف صحنه‌ای از طبیعت به شکل نمادین، حال و هوای کلی کتاب یا داستان بر مخاطب آشکار و روشن می‌گردد. در این صورت، براعت استهلال، از طرفی تقویت‌کننده فضا و رنگ داستان و از سویی دیگر تداعی‌کننده احوال درونی شخصیت‌ها است. در براعت استهلال فوق، «تندباد» و «تُرُنَج» نمادهایی هستند که علاوه بر معنای ظاهری خود، دست‌کم

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

یک معنی ضمنی دیگر در بردارند که با پیشروی داستان در ذهن مخاطب تداعی می‌شود: کشته شدن سوزناک «سهراب» جوان و قضا و قدر بودن مرگ و داد بودن آن.

## براعت استهلال از منظر پژوهشگران امروز

نویسنده کتاب بدیع از بلاغت، براعت استهلال را صنعت ادبی تصور نکرده و بر این باور است که براعت استهلال پیش‌درآمدی است که گوینده، با اعلان موضوع سخن به اختصار به مخاطب فرصت انتخاب می‌دهد که پس از دریافت مضمون کلی پیام پیش از آن که شروع به خواندن مطلبی نسبتاً مفصل کند، مایل است با توجه به احوال و احساس خویش تمام شعر و مطلب را بخواند یا از خواندن آن صرف نظر نماید. (ر.ک: مرتضایی، ۱۳۹۴: ۱۸۸ و ۱۸۷).

میرجلال‌الدین کزازی این صنعت را با نام «شگرف‌آغازی» معرفی کرده و بر این باور است که «شگرف‌آغازی که بدیع‌یان آن را براعت استهلال نامیده‌اند، آن است که سخنور یا نویسنده، آغاز سروده یا نوشته خویش را به گونه‌ای بنویسد و بسراید و در آن واژگان و نکته‌هایی را بگنجانند که گویای زمینه سروده یا نوشته باشد، به گونه‌ای که سخن دوست از آغاز بتواند دریافت که سخن، از آن پس در چه زمینه‌ای خواهد بود (کزازی، ۱۳۸۵: ۱۵۸ و ۱۵۶).

گروهی از علمای بلاغی در پیوند زدن براعت استهلال با حسن مطلع، آن را لازمه کلام و شعر نیکو دانسته‌اند و از این جهت که در لفظ، اندک و به اعتبار خیر الکلام ما قل و دل بیانگر محتوای کلی اثر است. و از تناسب کاملی با کل مجموعه برخوردار است، ارزش ادبی والایی دارد، زیرا براعت استهلال، نشان‌دهنده قدرت و مهارت گوینده در ایجاد تناسب میان مقدمه و موضوع است و اگر این مقدمه زیبا و برانگیزاننده باشد، شنونده را به پی‌گیری ادامه سخن مشتاق می‌کند و از این نظر می‌تواند با حسن مطلع نیز ارتباط داشته باشد. برای این که این ویژگی باید در مطلع هر نوع شعری باشد تا خواننده یا شنونده برای ادامه شعر رغبت و علاقه نشان دهد با این تفاوت که حوزه عمل براعت استهلال، بس‌یار کلی و عمومی است و اختصاص به شعر ندارد. (ر.ک: خان‌محمدی، ۱۳۸۴: ۱۸۴ و مجبّتی، ۱۳۸۶: ۱۰۹)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هر چند براعت استهلال و حُسن مطلع با هم ارتباط و نوعی ساختار همگون دارند، اما «حُسن مطلع فقط لطافت الفاظ و رشاققت معانی و خالی بودن از شائبه تطیر و درآمد نامتناسب در ابتدای قصیده یا خطبه است و فایده آن تشویق مستمع است به شنیدن باقی کلام، ولی در صنعت براعت استهلال، مراد تناسب عبارات دیباچه و مقدمه یا مطلع کتاب است با سایر مطالب کتاب یا قصیده و نامه و فایده آن حُسن و مزیت ابتدای کتاب است.» (نشاط، ۱۳۴۶، ج ۲: ۱۰۹) می توان گفت، براعت استهلال، مسأله‌ای مربوط به ساختار و شکل متن است، چنان که در آغاز حلول ماه، همگان بر بام می آیند، تا ماه نور را ببینند و ماه را بیاغازند و آن که بر بلندترین نقطه است، زودتر می بیند، براعت استهلال هم نقطه بلندی برای دیدن کلیت اثر ادبی است. (مجتبی، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

در بسیاری از آثار داستانی، توجه به امر اساسی خطبه نویسی که خطبه هم به معنای سخنوری و موعظه است هم به معنای مقدمه اثر و ابتدای کتاب و مدخل، به ظرافت ملاحظه می شود. (ر.ک: ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۳۸ و ۱۹). نادر ابراهیمی در کتاب براعت استهلال (خوش آغازی) در ادبیات داستانی به تحلیل و بررسی انواع خوش آغازی در ادبیات داستانی پرداخته است. (۱۳۹۶: ۱۰۰ تا ۵۵)، محمد علوی مقدم در مقاله‌ای با عنوان براعت استهلال به صورت مختصر به بررسی پیشینه کاربرد این صنعت ادبی در کتب بلاغی عربی و فارسی پرداخته، در بخشی از این مقاله آمده است: «محمد هاشم دویدری که کتاب تلخیص المفتاح خطیب قرینی را شرح کرده در پایان کتاب در بحث از علم بدیع در باب المواضع التي ینبغی للمتكلم أن يتأق فیها، متذکر شده است که در سه مورد متکلم باید گفتارش زیبا باشد و یکی از آن سه مورد، ابتدای گفتار است که اگر آغاز گفتار، مناسب مقصود باشد، بدان براعت استهلال گویند.» (ر.ک: علوی مقدم، ۱۳۶۹: ۵۳) و مزده کمالی - فرد نیز در مقاله‌ای با عنوان «چکیده و براعت استهلال» به بررسی وجوه شباهت و تفاوت چکیده و براعت استهلال پرداخته است. (کمالی فرد، ۱۳۸۱: ۱۰۹-۱۰۲) نویسنده بر این باور است که در هر دو، چکیده و براعت استهلال برای سرعت بخشی به انتقال محتوای کلی مطلب، هدف اصلی تعیین شده است، اما مهم ترین فایده چکیده نویسی، صرف جویی در وقت محقق و خواننده است برخلاف چکیده، براعت استهلال، خواننده را به خواندن مطالب تشویق و او را ترغیب می نماید که داستان را ادامه دهد. این امر به هیچ وجه، صرفه جویی در وقت خواننده را به دنبال نخواهد داشت. براعت استهلال در بیان، از همان سبک پیروی می کند که کل نوشته به همان سبک نگارش یافته است، اما چکیده به رعایت سبک نگارش پایبند نیست. همچنین در چکیده سعی می شود جملات بسیار

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

روشن باشد و خواندن بدون تعمق زیاد به عمق مطلب دست یابد، اما براعت استهلال سعی دارد ذهن و تخیل خواننده را به کار گیرد. (کمالی فرد، ۱۳۸۱: ۱۰۸ و ۱۰۷).

## براعت استهلال از نگاه بلاغیون دیروز

محمدبن عمر رادیانی در ترجمان البلاغه، رشید و طواط در حدائق السحر فی دقائق الشعر، شمس قیس رازی در المعجم فی معاییر اشعار العجم و رضاقل یخان هدایت در مدارج البلاغه از «براعت استهلال» ذکری به میان نیاورده‌اند.

نخستین دانشمند علوم بلاغی جامعه آماری پژوهش، میرزا حسین واعظ کاشفی در کتاب *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*، براعت استهلال را یکی از صنایع ادبی دانسته است که گوینده با بیان آن بر دیگران تفوق و برتری می‌یابد. به باور نویسنده، «براعت» از اقران در گذشتن به فضل و فصاحت و «استهلال» دیدن ماه نو و هویدا شدن آن است. نویسنده *بدایع الافکار* در این زمینه می‌گوید: «براعت در لغت از اقران در گذشتن باشد به فضل و فصاحت و جز آن و استهلال دیدن ماه نو و هویدا شدن آن باشد و این صنعت در اصطلاح عبارت است از مناسبت ابتدای سخن با مقصود یعنی متکلم در مبدأ کلام به لفظی چند متلفظ گردد که مستمع را به واسطه شنیدن آن الفاظ، فی الحال، ذهن منتقل شود بدان که غرض گوینده چیست و در چه معنی سخن خواهد گفت.» (کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۳۳) به استناد این تعریف، براعت استهلال آن است که ابتدای سخن به گونه‌ای بیان شود که شنونده به واسطه آن، دریابد که غرض گوینده از آن سخن چیست (کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۳۴). مانند مثال زیر:

چو مصر جامع عالم بنا نهاد خدا	اساس شهر وجود آمد از عدم پیدا
بسیط را رژه برزد مهندس تقدیر	خط سراچه ترکیب برکشید قضا

از شنیدن این ابیات پوربهای جامی، شنونده یا خواننده درمی‌یابد که شاعر در وصف بنای شهری سخن می‌گوید.

عطاءالله محمود حسینی در کتاب *بدایع الصنایع*، براعت استهلال را از محسنات ادبی دانسته و بر این باور است که براعت در لغت «برتری یافتن بر اقران در علم و هنر» و استهلال «ماه نو دیدن» است و چون گوینده در مناسبت ساختن ابتدای کلام به مقصود، دقت نظر فراوانی می‌نماید، آن را



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به ماه نو دیدن تشبیه کرده‌اند. پیروشدن به واسطه آن دقت نظر، براعت استهلال نام گرفته است. نویسنده در این زمینه می‌گوید: «براعت در لغت فایق شده است بر امثال و اقران خود در علم و غیر آن و استهلال ماه نو دیدن است و چون کسی که این صنعت را در کلام می‌آرد، فایق می‌شود بر اقران خود بیواسطه دقت نظری که کرده در مناسبت ساختن ابتدای کلام به مقصود، اولاً آن دقت نظر را تشبیه کردند به ماه نو دیدن و آن را استهلال گفتند و ثانیاً فایق شدن او را بواسطه آن دقت نظر، براعت استهلال نام کردند و می‌تواند بود که تسمیه نظر بر آن کس باشد که بر این صنعت مطلع می‌شود و از اینجا راه به مقصود می‌برد که اطلاع او را در اول کلام بر مقصود تشبیه کرده باشند به ماه نو دیدن، چه در هر دو به دقت نظر از دور بر مقصود اطلاع می‌شود و آن را استهلال گفته باشند و فایق شدن او را بر اقران به سبب این اطلاع، براعت استهلال نام کرده.» (حسینی، ۲۹۱:۱۳۸۴)

صاحب *بدایع الصنائع* در تعریف اصطلاحی براعت استهلال نیز همانند نویسنده *بدایع الافکار* بر این باور است که گوینده به نحوی ابتدای سخن را آورد که شنونده از آن، پی به مقصود وی در گفتن، آن سخن ببرد. «براعت استهلال، آن است که ابتداء کلام مناسبت مقصود باشد؛ به این طریق که در وی اشارتی باشد به آنچه سوق کلام از برای اوست. تا ابتدا مشعر باشد به مقصود» (همان: ۲۹۰) مانند مثال‌های زیر:

۱- مبارک باد ای دوران که دولت تازه شد بازت      همای حشمت و اقبال باز آمد به پروازت

(حسینی، ۲۹۱:۱۳۸۴)

شاعر در ابتدای شعر برای تهنیت ولادت فرزند پادشاه، این بیت را مطلع قرار داده و شنونده متوجه این شادباش می‌گردد.

۲- ای فلک روزت سیه بادا چه طوفان کرده‌ای      آفتاب شرع را در خاک پنهان کرده‌ای

(همان: ۲۹۱)

در مرثیه بزرگان و علمای عالی‌قدر معمولاً اشعاری حزن‌انگیز می‌گویند که این بیت مطلع، خود گویای مقصود شاعر است.

عطاءالله محمود حسینی در بخشی دیگر از توضیحات خود در باب براعت استهلال، بر این باور است که بهترین نوع شروع کلام، آن است که بر براعت استهلال استوار باشد و این که در اول برخی از کتب، نویسنده در فنی که آن کتاب در باب آن نوشته شده، اسامی کتب دیگر یا علوم

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

مرتبط را بیاورد یا به وجهی لطیف مصنف کتاب نام خود را در اول کتاب آورد، نوعی براءت استهلال است. نویسنده در این زمینه می گوید: «و به اتفاق، احسن انواع ابتدا آن است که مشتمل باشد بر براءت استهلال، و از قبیل براءت استهلال است آنکه در اول کتب اشارت می کنند به فنی که آن کتاب را در آن فن می نویسند و ذکر می کنند اسامی کتب دیگر را که در آن فن نوشته اند. و ملحق می توان داشت به این صنعت آن را که مصنف کتابی در اول کتاب، نام خود را بر وجهی لطیف درج کند.» (همان: ۲۹۱) مانند مثال زیر:

افتتاح سخن آن به که کند اهل کمال      به ثنای ملک الملک خدای متعال

کمال خجندی به ظرافت در اول دیوانش، نام خود را ذکر کرده است (همان: ۲۹۱).  
شمس‌العلمای گرکانی نیز در کتاب *ابدع‌البدایع* همانند نویسنده دو کتاب *بدایع‌الافکار* و *بدایع‌الصنایع*، «براءت» را در لغت برتری یافتن بر دیگران به لحاظ داشتن علم و هنر و «استهلال» را «بلند کردن صورت» دانسته و بر این باور است که «براءت استهلال»، آن است که گوینده در ابتدای نامه یا مطلع شعر، عبارتی آورد که به صورت لطیف، دلالت بر مقصود گوینده از آن سخن نماید. نویسنده در این زمینه می گوید: «براءت در لغت برتری یافتن بر اقران است در علم یا غیر آن و استهلال بلند کردن صوت است. گویند: استَهْلُ المولودُ بالبُكاءِ و استَهْلُ الحجيجُ بالتَّلبیةِ. و هم به معنی طلب رؤیت هلال است و معنی این مرکب اضافی، اصطلاحاً آن است که در دیباچه کتاب یا



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نامه یا مطلع قصیده‌ای عبارتی آورند که به اشارتی لطیف، دلالت بر مراد و مقصد آن کتاب و قصیده نماید.<sup>۱</sup> (گرکانی، ۱۳۷۷: ۹۵) گرکانی بر این مقیاس مثال‌های زیر را ذکر کرده است:

۱- السَّيْفُ أَصْدَقُ أَنْبَاءٍ مِنَ الْكُتُبِ      فِي حَدِّهِ الْحَدُّ بَيْنَ الْجِدِّ وَاللَّعِبِ  
بِيضُ الصَّفَائِحِ لَا سُودَ الصَّحَائِفِ فِي      مُتُونِهِنَّ جَلَاءُ الشَّكِّ وَالرَّيْبِ<sup>۲</sup>

ابوتمام در مدح معتصم این سروده را گفته است و شنونده از آن متوجه فتح‌نامه می‌گردد. (گرکانی، ۱۳۷۷: ۹۵)

۲- رُبَّ دَهْرٍ أَصَمَّ دُونَ الْعِتَابِ      مَرَصِدٍ لِلْأَوْجَالِ وَالْأَوْصَابِ<sup>۳</sup>  
(همان: ۹۵)

این بیت ابوتمام نیز در سرآغاز قصیده نشان از کلام مرثیه‌گون دارد.

۳- بُشْرَى فَقَدْ أَنْجَزَ الْأَقْبَالَ مَا وَعَدَا      وَ كَوَكَبُ الْمَجْدِ فِي أَفْقِ الْعُلَى صَعْدَا<sup>۴</sup>  
(همان: ۹۵)

این بیت ابو محمد خازن در تهنیت مولود صاحب ابن‌عباد، نشان می‌دهد که کلام، مفهومی شادی‌بخش دارد.

---

۱- «گفته‌اند که سوره مبارکه فاتحه که مطلع کلام مجید ربّانی است، براءت استهلال است برای آن کتاب آسمانی که مشتمل بر جمیع مقاصد است، چنانکه در: الحمد لله رب العالمین، الرحمن الرحیم: اشارت به معرفت الله و صفات الله است. مالک يوم الدين: معرفت معاد، ایاک نعبد، معرفت عبادت، ایاک نستعین: علم انقیاد، اهدنا الصراط المستقیم: علم سلوک، انعمت علیهم: معرفت و علم به اخبار امم سالفه از سعادت کسانی که اطاعت کرده‌اند، غیر المغضوب الی آخر: معرفت براممی که مخالفت کرده، شقاوت و عصیان نموده‌اند.» (دره نجفی، ص ۱۱۳ و ۱۱۲) چنانکه در چند سطر آغازین مقدمه مؤلف کتاب حاضر دیدیم، وی با به کار بردن نام نزدیک به ۵۰ اصطلاح بدیعی صنعت براءت استهلال را در کتاب خود به زیبایی رعایت کرده است. تعلیقات (ابدع: ۴۰۲)

۲- شمشیر در خبر دادن راست‌گوتر از کتاب‌هاست، تیزی آن جد و شوخی را از هم جدا می‌کند.

- تیزی شمشیرهای سفید - و نه سیاهی درون کتاب‌ها - شک و تردید را از بین برده است. تعلیقات (ابدع: ۴۰۳)

۳- چه بسا که روزگار در مقابل سرزنش ناشنواست و کمینگاه ترس‌ها و مرض‌هاست. تعلیقات (ابدع: ۳۰۳)

۴- مژده باد که اقبال به وعده خود وفا نموده و ستاره بزرگواری در افق بالا صعود نمود. تعلیقات (ابدع: ۴۰۳)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۴-نحمدک یا من شرح صدورنا لتلخیص البیان فی ایضاح المعانی و نور قلبونا بلوامع التبیان من مطالع المثانی و نُصَلِّیْ عَلَی نَبِیکَ مُحَمَّدٍ الْمُؤَیَّدِ دَلَائِلُ أَعْجَازِهِ بِاسْرَارِ الْبَلَاغَةِ الِیْ آخِرِ مَا قَالُ. (همان: ۹۵)

صاحب شرح تلخیص در دیباچه اسامی تعدادی از کتب معانی و بیان را ذکر کرده که نشان از هدف و موضوع کتاب دارد.

۵-الحمد لله الذی جعل البادی امیراً و قدر للمراجع أن یکون مأموراً و مَرَجَ بینهما بحرین یتقیان یشرح منهما اللؤلؤ منظوماً و منشوراً. (همان: ۹۵)

صلاح صفدی در دیباچه خود بر مجموعه اش به نام الحان السواجع در مراسلات منظوم و منشور نوعی براعت استهلال به کار برده است:

۶-بیا ای خامه انشای رقم کن	به نام خالق لوح و قلم کن
رقم سار همه اشیاء کماهی	پدیدار سفیدی و سیاهی
نی کلک قضاش ز اوستادی	گشود از چشم خوبان عین صادی
الهی رحم کن بر جان مجنون	قلم کش بر خط عصیان مجنون
غبار نامه های جرم و عصیان	ز توقیع رقاعم نسخ گردان

مجنون هروی در منظومه خود با براعت استهلالی زیبا در تعلیم خط سخن گفته است.

۷-به نوبتند ملوک اندرین سپنج سرای کتون که نوبت تست ای ملک به عدل گرای (همان: ۹۶)

از سرآغاز این منظومه سعدی شیرازی می توان هدف شاعر را از بی اعتباری دنیا و پند و اندرز در حق حاکمان دریافت.

۸-دل شکسته که مرهم نهد دگر بارش یتیم خسته که از پای افکند خارش

.....-۱

.....-۲

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سعدی در سرآغاز منظومه خود یتیم‌نوازی و نوع‌دوستی را مقصود نظر داشته است (همان: ۹۶). صاحب *ابدع‌البدایع* در ادامه به شیوه خلاقانه تفاوت حُسن مطلع و براعت استهلال را بیان نموده و بر این باور است که در براعت استهلال نوعی تناسب بین سرآغاز کلام با متن اصلی وجود دارد و خواننده یا شنونده با خواندن یا شنیدن ابتدای کلام مقصود گوینده را از تمامی آن سخن درمی‌یابد، اما در حُسن مطلع این تناسب و ارتباط آن‌چنان نیست. نویسنده در این زمینه می‌گوید: «و باید دانست که از بررسی بینامتنی کتاب‌های *بدایع‌الافکار فی صنایع‌الاشعار*، *بدایع‌الصنایع و ابداع‌البدایع* در باب براعت استهلال مستفاد می‌گردد. نویسنده هر سه اثر تا حدودی به شیوه‌ای یکسان به بیان معنای لغوی «براعت» و «استهلال» پرداخته‌اند. به باور آنان، براعت استهلال آن است که متکلم در ابتدای کلام، عباراتی آورد که شنونده یا خواننده متوجه نیت اصلی او تا پایان آن سخن بشود. کاشفی سبزواری، براعت استهلال را صنعت ادبی و محمود حسینی آن را از محسنات ادبی دانسته‌اند. صاحب *بدایع‌الصنایع* عباراتی را که در اول یک اثر با بهره‌گیری از اصطلاحات علمی مرتبط با فن مورد معرفی می‌آید، نوعی براعت استهلال می‌داند صاحب *ابدع‌البدایع* نیز با بهره‌گیری از مثال نظم عربی و فارسی این شگرد بلاغی را معرفی و در ادامه توضیحات خود به تفاوت حسن مطلع و براعت استهلال اشاره کرده است.

## جمع‌بندی و بیان نتایج

می‌توان گفت، براعت استهلال یک صنعت ادبی است که در آن نویسنده یا گوینده کلمات یا عباراتی را در ابتدای اثر خود می‌آورد که در عین رعایت سبک نگارش متن، به‌طور اجمالی و مختصر، خواننده را در جریان فضای کلی نوشته قرار می‌دهد به گونه‌ای که ذهن وی سریع به مقصود و محتوای نوشته انتقال یابد که از بررسی تطبیقی و بینامتنی کتاب‌های بلاغی جامعه آماری پژوهش در خصوص براعت استهلال مستفاد گردید، محمدبن عمر رادویانی، رشید وطواط، شمس‌قیس رازی و رضاقلیخان هدایت به این شگرد بلاغی با این عنوان اشاره‌ای نکرده‌اند.

میرزا حسین واعظ کاشفی سبزواری با بهره‌گیری از یک مثال نظم فارسی از سروده‌های پوربهای جامی، براعت استهلال را صنعتی ادبی محسوب نموده و بر این باور است که براعت در لغت از آقران در گذشتن به فضل و فصاحت و استهلال دیدن ماه نو و هویداشدن آن و در اصطلاح ادبی، ابتدای سخن با مقصود متکلم سراسر کلام نوعی تناسب برقرار می‌کند و شنونده با شنیدن آن

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سرآغازینه، فوراً متوجه هدف و منظور گوینده در تمام کلام بشود. بهره‌گیری از این صنعت ادبی بمنظور تفوق و برتری بر آقران بوده است. (کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۳۴ و ۱۳۳)

عطاءالله محمود حسینی نیز با بهره‌گیری از مثال‌های نظم فارسی نیز همانند صاحب‌بدا/بع-الافکار، براعت را در لغت، فایق‌شدن بر اقران و امثال در علم و هنر و استهلال را دیدن ماه نو می‌داند. و چون کسی که این صنعت را در کلام می‌آورد بر آقران خود پیروز می‌شود دقت نظر او را به ماه نو دیدن شباهت کرده‌اند بنابراین فائق‌شدن بخاطر این دقت نظر براعت استهلال نام گرفته است. به باور این نویسنده بهترین نوع شروع آن است که به براعت استهلال آراسته شده باشد. از سوی دیگر، اگر نویسنده‌ای در ابتدای کتاب خود، دیباچه‌ای بنگارد که مرتبط با فن آن اثر، به بیان اصطلاحات و عبارات و واژگان پردازد، این نیز نوعی براعت استهلال است. این مطلب را تنها حسینی در *بدا/بع/الصنایع* مطرح کرده است، اما در تعریف اصطلاحی این صنعت ادبی، نویسنده فاقد ابتکار و خلاقیت است. و همان تعریف صاحب‌بدا/بع/الافکار را ذکر کرده است. (حسینی، ۱۳۸۴: ۲۹۰ و ۲۹۱)

شمس‌العلمای گرکانی براعت را برتری‌یافتن بر دیگران، در علم و هنر می‌داند، اما بر خلاف دو نویسنده متقدم، استهلال را بلند کردن صوت دانسته است. نویسنده با بهره‌گیری از شواهد نظم و نثر عربی و فارسی بر این باور است که براعت استهلال سخن یا عبارتی است که در دیباچه کتاب یا نامه یا مطلع قصیده می‌آید که با اشارتی لطیف، منظور و مقصود گوینده از کل کلام برداشت می‌شود. صاحب *ابدع/البدایع* در انتهای توضیحات خود از براعت استهلال به تفاوت این صنعت با حسن مطلع پرداخته و مهم‌ترین تفاوت این دو را، وجود تناسب بین سرآغاز و متن اصلی کلام در براعت استهلال دانسته است در حالی که حسن مطلع از این تناسب که موجب تشویق خواننده به باقی کلام می‌شود، بی‌بهره است. می‌توان گفت در کتب بلاغی جامعه آماری پژوهش تنها شمس-العلمای گرکانی است که به این تفاوت اشاره کرده است (گرکانی، ۱۳۷۷: ۹۶ و ۹۵). به تناسب موجود در براعت استهلال برخی دیگر از علمای بلاغی زبان فارسی نیز اشاره کرده‌اند و بر این باورند که براعت استهلال نوعی تناسب و مراعات-نظیر است که در آغاز اثر ادبی (اعم از غزل، قصیده، داستان، نمایشنامه و جز آن) رعایت می‌شود. (ر.ک: همایی، ۱۳۸۶: ۳۰۳ و انوری و عالی عباس آباد، ۱۳۹۳: ۴۹)

جدول نام‌گذاری آرایه براعت استهلال در کتب بلاغت فارسی مورد پژوهش

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ترجمان البلاغ	حدائق السجده	المعجم	بدایع الافکار	بدایع الصنائع	مدارج البلاغه	ابدع البدایع
۵	ر					
-	-	-	براعت استهلال	براعت استهلال	-	براعت استهلال
-	-	-	۱۳۳	۲۹۰	-	۹۵

جدول فراوانی مثال‌های آرایه‌های براعت استهلال در کتب بلاغت مورد پژوهش	
تعداد کل مثال‌های ارائه شده: ۱۲	
تعداد مثال‌های عربی: ۵	تعداد مثال‌های فارسی: ۷
تعداد مثال‌های تکراری: ۰	تعداد مثال‌های ابتکاری: ۱۲
تعداد مثال‌های سازگار با تعریف: ۱۲	تعداد مثال‌های ناسازگار با تعریف: ۰
تعداد مثال‌های نشر با لحاظ کردن موارد تکرار شده: ۲	تعداد مثال‌های نظم با لحاظ کردن موارد تکرار شده: ۱۰

## فهرست منابع

- جعفری پارسا، عبدالعظیم و جعفری پارسا، مژگان، (۱۳۸۹)، فرهنگ واژگان ادبی انگلیسی فارسی، چاپ اول، تهران، نشر رهنما.
- خطیب قزوینی، محمدبن عبدالرحمن، (۱۳۶۳)، تلخیص المفتاح فی المعانی و البیان و البدیع، تهران: قم.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، جلد دوم و سوم، چاپ دوم از دوره‌ی جدید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۳)، نگاهی تازه به بدیع، چاپ چهاردهم، تهران، فردوس.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۹۲)، شاهنامه، بر اساس چاپ مسکو، چاپ دوازدهم، به کوشش و زیر نظر دکتر سعید حمیدیان، ۹ جلد، تهران، قطره.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

- نورمند، احمد، (۱۳۸۹)، «براعت استهلال و بسامد آن در بعضی از منظومه‌ها، با تحلیل کاربرد آن در داستان رستم و اسفندیار شاهنامه»، ماهنامه‌ی کتاب ماه ادبیات، سال چهارم، شماره ۳۷، از ص ۴۱ تا ص ۵۲.
- وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۹۰)، **بدیع: از دیدگاه زیبایی‌شناسی**، چاپ پنجم، تهران، سمت.
- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۶۱)، **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، چاپ دوم، تهران، توس.